

(پیشین) گلستان هنر

# حلیا الله؛ پادشاه قلم

(زنده در ۱۰۳۵ ق.)

دکتر حمیدرضا قلیچ خانی

سرشناسه: قلیچ خانی، حمیدرضا، ۱۳۴۷ -  
عنوان و نام پدیدآور: خلیل الله؛ پادشاه قلم؛ حمیدرضا قلیچ خانی؛ ویراستاس  
خشایار قهیمنی؛ مترجم. بخش انگلیسی: کیانوش معتمدی.  
مشخصات نشر: تهران: پیکره، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ۵۴ ص.؛ مصور (رنگی).  
فروست: گلستان هنر: ۲۰.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۸-۶۷-۴  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
موضوع: حسینی، خلیل الله، ۱۳۰۲-  
موضوع: خوشنویسان ایران -- هند.  
Calligraphers, Iranian -- India --  
موضوع: خط نستعلیق  
موضوع: Writing, Nastaliq  
شناسه افزوده: معتمدی، کیانوش، ۱۳۶۱- مترجم  
رده بندی کنگره: ۵۲۰.۱۳۹۵ / ف۲۵۴۳۸ / NK۴۶۴۳  
رده بندی دیویی: ۵۲۵/۶۱۶-۵۲  
رده بندی کتابت ملی: ۴۲۸۵۵۷۲

گلستان هنر ۲۰  
خلیل الله، پادشاه قلم  
دکتر حمیدرضا قلیچ خانی  
دبیر مجموعه: دکتر جی اصغر مرادی، مهر

اگرافیک: مهدیه ابوالحسن  
ویراستار: خشایار قهیمنی  
مترجم بخش انگلیسی: کیانوش معتمدی

(پیکره)

چاپ: نخست، ۱۳۹۵  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

اینوگرافی: نقش سبز چاپ و صحافی: مبینا  
تشر پیکره: تهران، خیابان آزادی، ابتدای آذریاچان، پلاک ۱۰۲۴  
تلفن: ۶۶۰۳۸۶۱۶ / فکس: ۶۶۰۳۸۶۲۴  
www.peikarehpub.ir  
E-mail: peikarehpub@gmail.com

مجموعه‌ی «گلستان هنر» در راستای شناخت و معرفی گذشته‌ی فرهنگ و هنر  
کشور بزرگ و هنرپرور ایران، ضمن ایجاز می‌کوشد تا با تکیه بر مستندات و تازه‌ترین  
پژوهش‌های علمی، اطلاعات بدیعی را در معرفی و تحلیل آثار هنرمندان گمنام یا  
کمتر شناخته شده‌ی هنرهای تجسمی به دست دهد.  
ارجاعات دقیق، رعایت یکدستی در شیوه‌ی نگارش، پیراستگی متون و بهره‌مندی از  
تصاویر باکیفیت از اصولی است که هنرپژوهان ملزم به آن خواهند بود.

## فهرست

|    |                                        |
|----|----------------------------------------|
| ۶  | پیش از هر چیز                          |
| ۹  | داد و ستدهای فرهنگی - هنری ایران و هند |
| ۱۸ | گذری بر زندگی خلیل الله                |
| ۳۰ | خوشنویسی و هنر خلیل الله               |
| ۳۸ | شاعری خلیل الله                        |
| ۳۰ | آثار برجای مانده                       |
| ۴۷ | رقعه های خلیل الله                     |
| ۵۰ | پیشگفتار و منابع                       |

### پیش از همه چیز

شبه‌قاره‌ی هند بیش از آن‌که زبان، فرهنگ و هنرش را به ایران صادر کند، پذیرا و مصرف‌کننده‌ی زبان، فرهنگ و هنر ایرانی بوده است. زبان فارسی و ترکی با حمله‌ی لشکریان سلطان محمود غزنوی به هندوستان شد و هندوان، اسلام و هنرهای اسلامی را بیش از اعراب، از طریق ادیان شناختند. مهاجرت هنرمندان به شبه‌قاره هند کاملاً تصدیق‌ناپذیر بود و بسیاری از دولتمردان ایرانی دربار پادشاهان هند به مناصب رفیع و حسابداران است یافتند در حالی‌که هیچ دولتمرد هندی در ایران به مناصب مناسب گمارده نمی‌شد. این پدیده‌ی مهمان‌نوازی هندیان - که ما ایرانیان خود را بدان شهره می‌دانیم - سبب مهاجرت، بل آسای سخنوران و هنرمندان ایرانی به مناطق گوناگون به‌ویژه دکن و بخش‌های مرکزی هندوستان شد؛ مهاجرتی که در عصر صفوی به اوج خود رسید.

در باب شاعران سبک هندی، پژوهش‌هایی صورت گرفته است اما هنرمندان ایرانی مهاجر به هندوستان چنان‌که باید و شاید شناخته شده نیستند. پژوهش‌های کلان و جامع در این باب انجام نشده است. این مهم افزون بر شناخت و مطالعه منابع و اسناد تاریخی ایران، نیازمند بررسی منابع شبه‌قاره نیز هست. دست‌پژوهش‌های بنیادی هند و ایرانی به دلیل کمبود متخصصان هندشناس ایران بوده است؛ چراکه استادان متخصص در هنرهای اسلامی هند و ایران نادر و انگشت‌شمارند. بدبختانه نسخه‌های خطی بسیاری از منابع تألیف شده و هم‌چنین پژوهش‌های منتشر شده در شبه‌قاره، در ایران دیرپای و نایابند و استادان و علاقه‌مندان ایرانی نه تنها به آن‌ها دسترسی ندارند، بلکه آن منابع را به دقت و درستی نمی‌شناسند.

ایران‌شناسان شبه‌قاره از ما کوشا تر هستند و امروزه ده‌ها دپارتمان زبان فارسی و صدها فارغ‌التحصیل کارشناسی‌ارشد و دکتری در هند و پاکستان شاهد احتضار زبان فارسی و خوشدل از پاسداری از آخرین تارهای این ارتباط از هم گسسته‌اند. امروزه پیگیری دولت‌های شبه‌قاره در باب زبان فارسی از سر علاقه و شفقت نیست بلکه ایشان در پی شناخت و پاسداری از منابع تاریخی دوره‌ی میانه‌ی خویش‌اند و سازمان‌های دولتی ایران نیز به حفظ و شناخت این میراث مشترک و گرانبها واقعی نمی‌نهند.

ایران و زبان فارسی با هیچ‌یک از همسایگانش چنین داد و ستدی نداشته است. حدود هفت سده زبان فارسی در شبه‌قاره مخاطب داشته و در شهرها و استان‌های بزرگ به‌عنوان زبان دیوانی رواج کامل داشته است. مُهرها، سکه‌ها، مزارات و کتیبه‌های بسیاری از مساجدش برخلاف مساجد ایران که به زبان عربی است، به زبان و ادب فارسی آراسته است. پادشاهان و حاکمانش شعر فارسی می‌سرودند و بسیاری از سخنرانان بی‌آن که به زبان مادری خویش بگویند، که هندی یا اردو بوده، در تمام عمر خویش به فارسی سخن‌رانی کرده‌اند.

خلیل‌الله سیمینی در اواسط سده‌ی دهم دیده به جهان گشود و با شور و آفری که به سبک زرعی روی داشت، از بهترین پیروان وی شد. شاه‌عباس در زمان ولیعهدی‌اش در خراسان خلیل‌الله سرمشق گرفته بود و هنگام بازگشت وی به ایران، در استقبال از این هنرمند ریاضی‌سرووده وی «خورشید عراق» و «خلیل‌بت‌شکن» خوانده بود. عجیب است که چرا پادشاه او اجازه‌ی سفر داد و در عوض علی‌رضای عباسی را به کتابداری و مناصب مناسب رساند و از هنر خلیل‌الله در اصفهان بهره‌مند نشد.

میرخلیل‌الله از نستعلیق‌نویسان برجسته ایران است که به شبه‌قاره مهاجرت کرد و در بیجاپور مورد نوازش و حمایت پادشاه عادل دوم قرار گرفت و عادل‌شاه در سال ۱۰۲۷ هجری وی را به «پادشاه قلم» مخاطب ساخت و دو بار به‌عنوان ایلچی خویش به ایران فرستاد.

خلیل‌الله عاقبت در حدود سال ۱۰۳۵ هجری در دکن درگذشت. این پژوهش نخستین کتاب مستقل درباره‌ی میرخلیل‌الله است که در آغاز به درخواست خانم دکتر کیلان اورتن به شکل مقاله به زبان انگلیسی برای کتاب

*Iran and the Islamic World: Persianate Art, Culture, and Talent in Circulation, ca. 1400-1700*, Indiana University, 2017.

تألیف شد و سپس با تغییرات و افزودگی‌هایی وارد سلسله‌ی «گلستان هنر» گردید. در پایان یاد استادان هنرشناس هندی را گرامی می‌دارم؛ استادان غلام یزدانی و ضیاءالدین دسائی که عمر خویش را مصروف شناسایی کتیبه‌های فارسی و عربی شبه‌قاره کردند. هم‌چنین سپاسگزارم از خانم‌ها مریم علیپور و مریم ویسی و به‌ویژه از دلگرمی‌های دوست هنرشناسم، آقای محمدحسن حامدی.

حمیدرضاقلیچ‌خانی

تابستان ۱۳۹۵